



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)  
Razi University, Vol. 11, Issue 1 (41), Spring 2021, pp. 19-35

**"nafsatal masdoor" In the mirror of Arab literature**

**Moosa Parnian<sup>1</sup>**

Associate Professor of Persian Language and Literature Dept, University of Kermanshah Razi University,  
Iran

**Mahsa Rezaee<sup>†</sup>**

Graduated of Persian Language and Literature, University of Kermanshah Razi University, Iran

**Received:** 18/04/2016

**Accepted:** 22/09/2019

**Abstract**

Nafsat-al-Masdur written by Shahab-al-din Mohammad Zeidari Nasavi is among worthy historic-literary works of the seventh century AH. This book has ornate and technical prose owing to the stylistic features of its period that has numerous Arabic proverbs and poems among figures of speech and spirituality, citation of verses and narrations. The author has used Arabic poems, proverbs and phrases amidst the Persian prose by different devices in order to manifest his proficiency in employing the Arabic language. This paper intends to show the influence of Arabic language and literature on Nafsat-al-Masdur with a stylistic view And investigates the speech and spiritual relation of Arabic Poems and phrases with Persian prose as well as examine how Arabic phrases could make the speech consistent and how this relation is made qualitatively. The results of the study showed how the Arabic language and literature were influenced on Nafsat-al-Masdur and showed that Arabic phrases, on the one hand, could obtain structural position as part of speech such as: subject, object, complement, constraint and laminar in sentence or aesthetically manifest themselves in form of literary figures of speech and rhetoric-artistic usages such as: likeness, allegory, joke, debate, and insult, on the other hand, they have built a semantic bridge to Persian prose by different methods such as: completion, emphasis, Tanzir (counterpart interpolation), description and Combination of meanings.

**Keywords:** Comparative literature, Nafsat-al-Masdur, Interpolation, Guarantee, Speech Relation, Spiritual Relation.

---

1. **Corresponding Author's Email:**

2. **Email:**

dr.mparnian@yahoo.com

mahsarezai88@yahoo.com



کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)  
دانشگاه رازی، دوره یازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۴۱)، بهار ۱۴۰۰، صص. ۱۹-۳۵

## «نفثة المصدور» در آینه ادب عربی

موسی پرنیان<sup>۱</sup>

دانشیار رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مهسا رضایی<sup>۲</sup>

دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱

دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۳۰

### چکیده

کتاب *نفثة المصدور*، تألیف شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی از آثار تاریخی-ادبی ارزشمند قرن هفتم است؛ این کتاب به دلیل برخورداری از ویژگی‌های سبکی دوره خود، دارای نثری مصنوع و فنی است که ضمن برخورداری از صنایع لفظی و معنوی کلام، استشهد به آیات، احادیث، مثل‌ها و شعرهای عربی نیز در آن به فراوانی صورت گرفته است. نویسنده برای آشکار ساختن مهارت خود در به کارگیری زبان عربی، با شگردهای مختلفی از شعرها و عبارات‌های عربی در لابه‌لای نثر فارسی استفاده کرده است؛ این پژوهش بر آن است تا تأثیرگذاری زبان و ادب عرب را بر *نفثة المصدور* با دیدی سبک‌شناسانه نشان دهد و چگونگی پیوند لفظی و معنوی شعرها و عبارات‌های عربی را با نثر فارسی نشان دهد و اینکه شواهد عربی چگونه توانسته‌اند باعث پیوستگی کلام فارسی شوند و با چه کیفیتی این ارتباط برقرار شده است.

نتایج این پژوهش توصیفی-تحلیلی به خوبی چگونگی تأثیرپذیری کتاب *نفثة المصدور* از زبان و ادب عرب را نمایان ساخته و نشان می‌دهد که شعرها و عبارات‌های عربی از سویی می‌توانند به عنوان بخشی از کلام در جمله، جایگاه دستوری چون: نهاد، مفعول، مسند، متمم، قید، مضاف‌الیه و... اخذ کنند یا از حیث زیبایی‌شناسی در قالب آرایه‌های ادبی و کاربردهای بلاغی - هنری مانند: تشبیه، تمثیل، کنایه، مناظره و ایهام جلوه‌گری کنند. از سوی دیگر، شواهد عربی به خوبی توانسته‌اند ارتباطی معنایی با نثر فارسی به روش‌های مختلفی چون: متمم، تأکید، تنظیر، توصیف، ملخص و حل معانی برقرار کنند.

**واژگان کلیدی:** ادبیات تطبیقی، *نفثة المصدور*، درج، تضمین، پیوند لفظی، پیوند معنوی.

## ۱. پیشگفتار

## ۱-۱. تعریف موضوع

در آغاز قرن هفتم، نویسندگان و مترسّان فارسی زبان برای نشان دادن توانایی خود در نویسندگی، با وسعت مجالی که از حیث انتخاب و استعمال الفاظ و تعبیرات در نثر فراهم بود، توجه زیادی به آرایش کلام و تناسب الفاظ و معانی نشان دادند و در این راه به غایت تکلف رسیدند.

این نویسندگان برای جانماندن از قافله نثر فنی و مصنوع با به کارگیری واژه‌ها، عبارت‌ها، شعرها و مثل‌های عربی مهارت خود را در کاربرد زبان عربی به رخ معاصران خود می‌کشیدند. از این میان، «شهاب‌الدین زیدری نسوی» چهره‌ای برجسته دارد. وی کتابی را با عنوان «نفثة المصدور» که شرح حال اندوهناک او پس از حمله تاتار است، به شیوه نویسندگان هم دوره خود به رشته سخن کشید. زیدری به طرز بسیار مطلوبی توانسته از عبارات عربی در تألیف خود بهره گیرد، به نحوی که ارتباط لفظی و معنوی خاصی بین عبارت‌های فارسی و عربی ایجاد کرده است.

شهاب‌الدین زیدری همچون سایر نویسندگان قرن ۶ و ۷ از عبارت‌ها و جمله‌های عربی برای تزیین و تکمیل سخنش در رساله *نفثة المصدور* کمک گرفته است. وی از روشی برای درج و تضمین در تلفیق ادب عرب و فارسی استفاده می‌کند که نثر فارسی به شکل روان و نامحسوسی به شعر یا عبارت عربی می‌پیوندد و این بهترین شکل بهره‌گیری از صنعت درج و تضمین است. وی این روش را با برقراری پیوند لفظی و معنایی بین عبارات فارسی و عربی، برقرار می‌کند. در پیوند لفظی، عبارت یا جمله عربی می‌تواند در نقش‌های دستوری چون: نهاد، مسند، مفعول، متمم و... به کار رود؛ از سوی دیگر، مؤلف با ابزارهای بلاغی و هنری نیز توانسته این پیوند لفظی را به شیوه شایسته‌ای با متن فارسی برقرار کند و برای رسیدن به این مقصود از تشبیه، ارسال المثل، تمثیل، ارداد و تسهیم و... استفاده کند.

در پیوند معنایی، شعر یا عبارت عربی بدون قطع و انحراف، دنباله نثر فارسی را بیان می‌نماید؛ در این نوع که دشوارترین نوع درج در نثر به‌شمار می‌آید، شواهد عربی بی‌فاصله لفظ، بدان می‌پیوندد. زیدری در این روش با تضمین از شواهد شعری و مثل‌های عربی، پیوند معنایی خوبی بین بخش عربی و فارسی برقرار می‌کند. او برای تتیم و تکمیل سخن، این شیوه را بارها به کار گرفته است. پاره‌ای از زمان‌ها نیز برای ایجاد این پیوند معنایی، از توصیف، تشبیه و تمثیل استفاده کرده است و گاهی شعری عربی به صورت نظیر می‌آورد. از روش‌های دیگری که مؤلف توانسته به‌وسیله آن‌ها، میان متن فارسی و عربی پیوند معنایی برقرار کند؛ می‌توان به تأیید، تأکید نقل قول، حل (تحلیل معنی) و ملخص (تلخیص

مطلب) اشاره کرد.

## ۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

اهمیت پژوهش حاضر در این است که هنر نویسنده کتاب «نفته‌المصدر» از منظر تازه‌ای مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ زیدری به دلیل استفاده فراوان از شواهد عربی، از فرهنگ و ادبیات عرب بسیار متأثر بوده است؛ روش‌های تلفیق عبارات و ابیات عربی در متن فارسی می‌تواند توانایی یک نویسنده را به خوبی نشان دهد و در مقام مقایسه با سایر نویسندگان، ارزش کار مؤلف نشان داده شود. تا کنون بررسی و تحلیل عبارات عربی متون فنی، بسیار کلی بوده و از نگاه جزئی‌نگرانه به دور بوده است. لذا این پژوهش، گامی برای نگاه عمیق‌تر و دقیق‌تر به کیفیت کاربرد عبارتها، شعرها و مثل‌های عربی در نثر فارسی است.

هدف از این پژوهش، بررسی شیوه‌ها و شگردهای کاربرد شعرها، مثل‌ها، اقوال، آیات، روایت‌ها و عبارات‌های عربی با دیدی سبک‌شناسانه در متن نفته‌المصدر است؛ اینکه چگونه مؤلف توانسته پیوند ظریفی بین عبارات‌های فارسی و عربی، با بهره‌گیری از لفظ و معنا برقرار کند. برای دستیابی به این منظور، کیفیت درج و تضمین را از دو منظر پیوند لفظی و معنوی جمله‌های عربی با متن فارسی مورد بررسی قرار داده، سپس میزان و گونه‌های آن را مشخص کرده‌ایم.

## ۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- شیوه برقراری پیوند لفظی و معنوی عبارات‌های عربی با متن فارسی در نفته‌المصدر چگونه است؟  
- نویسنده نفته‌المصدر، برای تلفیق عبارات‌های عربی با متن فارسی از مقوله‌های دستوری و بلاغی به چه شیوه‌ای کمک گرفته و کدام روش‌ها بیشتر مورد توجه وی بوده است؟

## ۱-۴. پیشینه پژوهش

یزدگردی (۱۳۸۵)، مصحح رساله «نفته‌المصدر» در قسمتی از مقدمه کتاب که تطور نثر را از ساده به فنی بیان کرده، به طور مجمل به کیفیت پیوند لفظی و معنوی عبارات‌های عربی با نثر فارسی کتاب نفته‌المصدر پرداخته است؛ اما این اشاره کلی بوده و فاقد دسته‌بندی دقیقی است. خطیبی (۱۳۸۶) در کتاب «فن نثر» در قسمت مختصات درج و تضمین، به بیان چگونگی پیوند لفظی و معنوی شعر با نثر پرداخته و برای آن از شواهد عربی نیز استفاده کرده، اما این شواهد از کتاب‌های کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه انتخاب شده است و هیچ شاهی از نفته‌المصدر ذکر نکرده است و البته او نیز دسته‌بندی خاصی برای این کار انجام نداده است. رحمانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «نگاهی تازه به تضمین» به

پیدایش تضمین و سیر تاریخی آن در ادب عربی و فارسی پرداخته و اقسام تضمین را برشمرده است؛ اما بیشتر به ذکر تعریف‌های موجود در کتاب‌های بلاغی در موضوع «تضمین» پرداخته است. باین حال، پژوهش وی به دلیل پرداختی مبسوط به آرایه «تضمین» در پژوهش‌های مربوط به متون مصنوع، مفید و موثر است.

محمدیان (۱۳۹۲) در مقاله‌ای، نثر فنی نفثه‌المصدور را با دره نادره مقایسه کرده، اما تنها به بیان ویژگی‌های کلی سبکی و زبانی دو کتاب پرداخته و اشاره‌ای به درج و تضمین ننموده است. مهربان (۱۳۹۰) در جستاری پیرامون ویژگی‌های زبانی و بلاغی نفثه‌المصدور تنها به ذکر صنایع لفظی کلام پرداخته و از تضمین‌های زیبای زیدری غافل بوده است. پژوهش حاضر، بر آن است که به شکل ویژه‌ای شیوه کاربرد عبارت‌های عربی را توسط زیدری، نویسنده نفثه‌المصدور مورد تأمل قرار داده تا ارزش کار وی بیش از پیش آشکار شود.

### ۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

نگارش این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی و نیز با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته که با استخراج شعرها و عبارت‌های عربی متن کتاب *نفثه‌المصدور*، به تحلیل سبک شناسانه آن‌ها پرداخته و روش‌های تلفیق شواهد عربی با متن فارسی، مورد بررسی قرار گرفته است. به دلیل آنکه این پژوهش با رویکردی سبک شناسانه به شیوه پیوند شواهد عربی با متن فارسی می‌پردازد، می‌توان آن را پژوهشی تطبیقی در چارچوب نظریه فرانسوی ادبیات تطبیقی دانست؛ زیرا بررسی شیوه‌های متنوع زیدری در درج، تضمین و اقتباس از شعرها، مثل‌ها، اقوال و عبارت‌های عربی می‌تواند غنای ادبیات عرب را نشان دهد که چگونه نویسندگان قرن هفتم برای کیفیت بخشی به متون خود از ادب عرب به نیکی استفاده کرده‌اند. این پژوهش می‌تواند سرآغازی برای پژوهش‌های سبک شناسانه تطبیقی در متون فارسی-عربی باشد. منبع این جستار برای تحلیل و بررسی موضوع، کتاب *نفثه‌المصدور* شهاب‌الدین زیدری، تصحیح امیرحسین یزدگردی چاپ ۱۳۸۵ است.

### ۲. پردازش تحلیلی موضوع

#### ۲-۱. نفثه‌المصدور

نفثه‌المصدور به معنی خلطی است که از سینه صاحب درد بیرون آید. این اثر، در حقیقت تاریخی جانکاه از زندگانی شهاب‌الدین زیدری نسوی است که در بردارنده اتفاقات سال‌های ۶۳۷-۶۳۲ هجری و شرح پایان کار سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه و نیز ذکر مصیبت‌های نویسنده در زمان حمله تاتار است. «این

رساله از حیث شیوه و سبک به همان شیوه معاصرین است و در استعمال الفاظ و جمله‌های کهنه و آوردن افعال قدیمی، بیشتر از همگان توجه داشته» (بهار، ۱۳۷۶، ج ۳: ۹۲۶). «همه نوع عبارت را در نفثة المصدور می‌توان دید؛ از آوردن صنایع و تلفیق عبارات و تکلفات غیرلازم و نیز از جمله‌های فصیح و عبارات لطیف و پارسی‌های شیرین و از موازنه‌ها و سجع‌ها و شاهد‌های شعری بدیع و استدلالات قرآنی و تضمین و تحلیل مصراع‌های مشهور عربی به مناسبت موضوع و غیره» (همان: ۹۳۱).

#### ۲-۱-۱. نثر فنی و نفثة المصدور

نثر فنی، پدیده‌ای در جریان نثر فارسی است که در قرن ششم آغاز گردیده است. «سرحلقه کتاب‌هایی که به این شیوه نوشته شده، کلیله و دمنه بهرامشاهی به قلم ابوالمعالی نصرالله منشی است.» (غلامرضایی، ۱۳۹۴: ۱۲۵). این نثر به مرور زمان تبدیل به نثر مصنوع شد؛ نثری که آن‌گونه دچار دشواری، پیچیدگی و غرق در صنعت‌های ادبی گردیده است که گاهی خبری از معنی در آن نیست. «نفثة المصدور» بی‌شبهه یکی از شاهکارها و نمونه‌های بدیع و عالی نثر فنی، مزین و منشیانه نیمه اول قرن هفتم است. آن‌چه که نثر نفثة المصدور را در میان آثار نثر فنی خاص کرده است، پاره‌ای ویژگی‌ها از جمله: استفاده از مضامین اشعار فارسی و عربی و مضامین احادیث، استفاده از تعبیرات خاص زبان عربی و نیز به کارگیری ترکیب‌های عربی در سیاق عبارت فارسی است. راهی که زیدری در پیش گرفته، بعد از وی مورد تتبع نویسندگان کتاب‌هایی چون «مط‌العی»، تاریخ جهان‌گشای جوینی و نیز تاریخ و صاف قرار گرفته است.

#### ۲-۱-۲. درج و تضمین در نفثة المصدور

درج و تضمین مثال‌ها، شعرها و عبارت‌های عربی از مختصات است که در مراحل کمال نثر فنی، به موازات دیگر مختصات لفظی و معنوی، توجه نویسندگان را به خود جلب می‌کند. یکی از وجوه برجستگی کتاب نفثة المصدور نیز وجود ابیات و مصراع‌های فراوان عربی است که مؤلف به شیوه نویسندگان و مترسلان قرن ششم و هفتم، نثر خود را بدان آراسته است. این ابیات، نشانی از تأثیرپذیری عمیق زیدری از ادبیات عرب است. شیوه درج و تضمین او از عبارت‌ها و شعرهای عربی، شیوه‌ای نادر است؛ زیرا وی با مهارتی درخور، روش‌های متنوعی را برای کاربرد جمله‌های عربی در پیش می‌گیرد به گونه‌ای که گاه آن‌چنان جملات عربی را به کلام فارسی متصل می‌کند، که معنا به شدت بدان وابسته

می‌شود و گاه با مقاصدی دیگر، جمله‌ها، عبارت‌ها و شعر عربی را در تأیید و تبیین جمله‌های فارسی با شیوه‌هایی گوناگون استعمال می‌کند که باعث زیبایی بیشتر نثر وی می‌شود.

## ۲-۲. پیوند لفظی شاهد‌ها و عبارت‌ها عربی با متن فارسی

گاه زیدری به گونه‌ای از درج و تضمین در تلفیق ادب عرب و فارسی استفاده می‌کند که «نثر فارسی بی هیچ رابطه‌ای یک‌باره به شعر یا عبارت عربی می‌پیوندد و این بالاترین حد تناسب و کمال در صنعت درج و تضمین است» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۲۱۴). در این صورت شعر یا عبارت عربی می‌تواند در جمله، نقش دستوری مانند: نهاد، مسند، مفعول، متمم و... بگیرد و گاه با آوردن کلمه‌ای بین نثر فارسی و شاهد عربی، انتقال از نثر فارسی را به عربی تا حدی نمودارتر می‌کند که باعث می‌شود قسمت عمده‌ای از کلامش پایه یا پیرو یک جمله مرکب باشد و برخی زمان‌ها از شبه جمله یا جمله معترضه برای ارتباط الفاظ بهره می‌گیرد. از سوی دیگر، مؤلف با ابزارهای بلاغی و هنری نیز توانسته این پیوند لفظی را به نحوی شایسته با متن فارسی برقرار کند و برای رسیدن به این مقصود از تشبیه، ارسال المثل و تمثیل، ارضاد و تسهیم و... استفاده کرده است.

### ۲-۲-۱. کاربردهای دستوری

#### ۲-۲-۱-۱. نهاد

در مثال زیر، جمله «لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» (حجر/۷۲) که زیدری تضمین کرده، در جایگاه نهاد واقع شده است.

«امروز به ایمان و موثیق، صفای کلی ظاهر کردی و فردا که تجربت رفتی لعمرك انهم لفي سكرتهم يعمهون» در کمین فرصت خزیده، کمان قصد تاگوش کشیده» (زیدری، ۱۳۸۵: ۱۳).

#### ۲-۲-۱-۲. مسند

کاربرد مسند با حذف فعل اسنادی در نمونه زیر دیده می‌شود:

«حدائق و بساتین جنت صفت خاویۀ علی غروشها. عراض اماکن فردوس آساقاعاً صفتفاً» (زیدری، ۱۳۸۵: ۲۶). در جمله اول، عبارت «خاویۀ علی غروشها» (بقره/۲۵۹)، نقش مسند برای «حدائق و بساتین» دارد و در جمله دوم «قاعاً صفتفاً» (طه/۲۰) مسند است. (فعل اسنادی در هر دو جمله حذف شده است.)

#### ۲-۲-۱-۳. مفعول

در مثال زیر جمله «والناز و لا العار والسیف و لا الحیف» مفعول برای فعل «دید» است.

«رنج‌های بی‌نهایت مآلی بر شماتت اعداء حالی برگزیدم و الناژ و لا العارُ والسیفُ و لا الحیفُ از نصوص مذهب رجولیت دید» (زیدری، ۱۳۸۵: ۱۶).

#### ۲-۲-۱-۴. متمم

کاربرد حرف اضافه فارسی و متمم عربی را در نمونه‌های زیر می‌توان دید:  
 «و این قدر نادانسته که: این بنا اساسیت که بر شفا جُرفِ هارِ نهاده است» (همان: ۶۰).  
 جمله «شفا جُرفِ هارِ» (توبه / ۱۱۰) بعد از حرف اضافه «بر» آمده است و نقش متمم دارد.

#### ۲-۲-۱-۵. قید

درنفته المصنوع بیشتر قیده‌ها از نوع قید حالت، قید زمان و قید تشبیه به کار رفته‌اند.

#### ۲-۲-۱-۵-۱. قید حالت

این قید، همان است که در نحو عربی «حال» نامیده می‌شود. «قید حالت در جمله به شکل مفرد، مرکب و مؤول به کار می‌رود» (خیامپور، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۲).

«عاقبت خسته و شکسته تَمَّحُ نَجِيعاً فِي الْمَكْرِ ذَوَائِبُهُ در پای اسب افتادم» (زیدری، ۱۳۸۵: ۸۸).  
 جمله «تَمَّحُ نَجِيعاً فِي الْمَكْرِ ذَوَائِبُهُ» در مثال فوق در معنی «درحالی که گیسوان وی در کارزار، خون تیره می‌افشانند» قید حالت است.

#### ۲-۲-۱-۵-۲. قید زمان

عبارت «و طَوَّلَ اللَّيْلَ الْآ قَلِيلاً» آیه شریفه «فَمَ اللَّيْلُ الْآ قَلِيلاً» (مزمل / ۷۳) را به یاد می‌آورد که در نمونه زیر در جایگاه قید زمان قرار دارد و در معنای «در طول شب جز اندکی» است:  
 «تا سحر سرمه سهر کشیده بودم و طَوَّلَ اللَّيْلَ الْآ قَلِيلاً تَرَّهَاتٍ و خرافات درهم نوشته و در آن سودای بی حاصل همه شب عطارد را آزرده بودم» (زیدری، ۱۳۸۵: ۵۱).

#### ۲-۲-۱-۵-۳. قید تشبیه

درنفته المصنوع، بسیاری از مواقع، این قید بدون ادات تشبیه به کار رفته است. «در زبان فارسی قید تشبیه با کلماتی چون گویی، گفتمی و پنداری به کار می‌رود» (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۵: ۲۳۶).  
 «مدت شش ماه در این چشم داشت مستغرق شد و دشمن، ممالک فسیح و عریض را طَى التِّجَارِ بِحَضْرَمَوْتِ بَرُودَا در می‌نوردید» (زیدری، ۱۳۸۵: ۳۰).

عبارت «طَى التِّجَارِ بِحَضْرَمَوْتِ بَرُودَا» قسمتی از شعر جریر بن عطیه الخطفی التمیمی، قید تشبیه است:

و طَوَّى الطَّرَادُ مَعَ الْقِيَادِ بِطَوَّهَا طَى التِّجَارِ بِحَضْرَمَوْتِ بَرُودَا

(الاصفهانى، ۱۴۱۵، ج ۸: ۸)



زیرا نحوه درنوردیدن ممالک را به وسیله دشمن به درنوردیدن بردها توسط بازرگانان به شهر حضر موت تشبیه کرده است. تأثیر شعرهای مشهور ادب عرب بر رساله نفثة المصدور در شاهد فوق پیداست.

#### ۲-۱-۲-۶. اضافه

در نفثة المصدور بسیاری از جمله‌ها، عبارت‌ها و شعرهای عربی با کسره به نثر فارسی اضافه شده است که زیبایی خاصی به متن داده است:

«بعد از دو ماهه مقام به خوی، چون پای را از خزانه فکسونا العظام حتماً دیگر بار کسوت نو دادند...» (زیدری، ۱۳۸۵: ۹۶).

جمله «فکسونا العظام حتماً» که آیه ۱۴ سوره مؤنون است به شکل مضاف الیه برای خزانه آمده است.

#### ۲-۱-۲-۷. جمله معترضه

بخش عمده‌ای از جمله‌ها و عبارت‌ها عربی ملحق به نثر فارسی در نفثة المصدور به شکل جمله معترضه به کار گرفته شده است. زیدری از این جمله‌ها بیشتر به شکل دعایی و توضیحی و به ندرت به قصد نفرین بهره گرفته است:

#### ۲-۱-۲-۷-۱. جمله معترضه دعایی

جملات معترضه دعایی زیر، در مورد خراسان است:

«تمنی حب وطن و هوای اهل و مسکن، زمام نایقه طبع سوی خراسان، سقی الله أطلالها و مدت علیها ظلل السحُب أذیالها می کشید» (زیدری، ۱۳۸۵: ۹۶)

#### ۲-۱-۲-۷-۲. جمله معترضه توضیحی

در بسیاری از تضمین‌ها، زیدری از جمله‌های معترضه توضیحی عمدتاً کوتاه استفاده می‌کند؛ که البته به زیبایی متن او کمک شایانی می‌کند:

«هر آینه در این سر وقت چون کرام اکرام از واجبات مذهب مروّت شمرد و از جماعتی که به جای رحمتند و خسبک من یرثی له الشامت، انعام عام از مفترضات دین فتوت داند» (همان: ۵۹).

«و خسبک من یرثی له الشامت»<sup>(۱)</sup> جمله معترضه و توضیحی درباره کسی است که مورد ستم و بی‌رحمی قرار گرفته است.

#### ۲-۱-۲-۸. جملات پایه و پیرو

در نفثة المصدور، بسیاری از جمله‌ها و حتی شعرهای عربی به عنوان جمله پایه یا پیرو در متن به کار رفته است که در بیشتر مواقع جمله پیرو با حرف ربط «که» به نثر فارسی ارتباط داده می‌شود.

## ۲-۲-۱-۸-۱. جمله پایه

«با خود می گفتم: اگر سعادتت اسلام را مدخر است لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولى الضرر و المجاهدون فی سبیل الله» (زیدری: ۳۵).

جمله «لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولى الضرر و المجاهدون فی سبیل الله» (نساء/۹۴) جمله پایه است.

## ۲-۲-۱-۸-۲. جمله پیرو

در نمونه زیر، بیت عربی که از ابو فراس حمدانی (ر.ک الحمدانی، ۱۹۹۸: ۲۳) است، بیانگر تأثیر مطالعه دیوان‌های شعرى عرب بر نویسنده نفثة المصدور است. بیت، پیرو جمله مرکب است. «ونذیر شیب، دامن جیب به رو گرفته که:

أَبْعُدُ الْأَرْبَعِينَ مُحْرَمَاتٍ      تَمَادٍ فِي الصَّبَابَةِ وَ اغْتِرَاؤُ

(زیدری، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

## ۲-۲-۱-۹. شبه جمله

عبارت «و یا لیت» در جمله‌های زیر، شبه جمله امید و آرزو است:

«به خون من تشنه گشته بود و آن قربت ریزه که یافتم و یا لیت نیافتمی» (همان: ۱۳).

## ۲-۲-۲. کاربردهای بلاغی - هنری

## ۲-۲-۲-۱. تشبیه

در موارد بسیاری، زیدری به قصد قرابت معنایی از تشبیه به نحو مطلوبی بهره می گیرد و بدین طریق مفهوم و معنا را برای خواننده مجسم می کند. بیشتر تشبیه‌های او تشبیه‌های مرکب و تشبیه تمثیل است: «و فراهم آورده عمر از خاصه و خرجی و خون دل مسلمانان و گرجی کرماد اشتدت به الريح فی یوم عاصف<sup>(۲)</sup> رها کرد» (همان: ۴۳).

در مثال بالا، نویسنده، بی ارزشی خون مسلمانان نزد تاتار را با هنرمندی به خاکستری در دست باد سخت تشبیه کرده است و جمله عربی که بخشی از آیه ۱۸ سوره ابراهیم است، مشبه به این تشبیه مرکب است.

## ۲-۲-۲-۲. ارسال المثل و تمثیل

در برخی موارد، نویسنده «نفثة المصدور» برای زینت دادن به کلام و تأثیرگذاری بیشتر بر ذهن مخاطب، از تضمین به طریق تمثیل استفاده کرده است. وی توانسته از منابع غنی ادبیات عرب در اثر خود برای

درج شعرها و مثال‌ها به خوبی بهره‌گیرد و در کنار آن از تمثیل‌های قرآنی نیز برای رسیدن به این مقصود استفاده کند.

به لشگر گاه تاتار، دمار از آن رباع و دیار بر آورد.

وَ جُرْمُ جَزَّةِ سُفْهَاءِ قَوْمٍ      وَ حَلَّ بِغَيْرِ جَارِمِهِ الْعَذَابُ<sup>(۳)</sup>

(زیدری، ۱۳۸۵: ۲۵)

در نمونه بالا، زیدری برای نشان دادن این مطلب که عده‌ای از مردم بی‌گناه، خونشان به دست تاتار مباح شمرده شد، از بیت متنبی (المتنبی، ۱۴۰۳: ۳۸۳) که مثل سایر شده بهره می‌گیرد.

۲-۲-۳. کنایه

در نفثة المصدور، کنایه‌های عربی نقش مهمی در آفرینش زیبایی و هنری کلام دارند:

«و چون بلا را به حوالی خویش محیط دیده حین لایغنی الندامة پشت دست می‌خایید» (زیدری، ۱۳۸۵: ۱۰).

عبارت «حین لایغنی الندامة» کنایه از «سود نداشتن پشیمانی» است که در فارسی نیز رایج است.

۲-۲-۴. ایهام

در نفثة المصدور گاه عبارت‌های عربی در معانی ایهامی به کار رفته‌اند، این ویژگی بیشتر در مواقعی است که نویسنده برای نشان دادن آگاهی خود از صرف و نحو عربی دست به این بازی واژگانی زده است:

«بدین لقاطات زمانه دون و نفایات ایام وارون رسیده بود، منسوخ گشت، نه در آن طریقت «العاطف

کالمعطوف متبوع و نه درین قاعده ابدال کالمبدل مرعی» (زیدری، ۱۳۸۵: ۸۰)

در مثال فوق «العاطف کالمعطوف» عبارتی است که در آن ایهام وجود دارد، زیرا در بردارنده یک معنای ظاهری، یعنی عدم تبعیت از گذشته است و نیز یک معنای نحوی یعنی عاطف (کلمه پیش از حرف عطف) از نظر اعراب، مانند معطوف (کلمه پس از حرف عطف) است؛ همچنین در ادامه، عبارت «البدل کالمبدل» نیز دارای دو معنای ایهامی است: یکی نیاوردن رسم و آیین نو و دوم به این قاعده نحوی اشاره دارد که بدل از مبدل منه تبعیت می‌کند.

۲-۲-۵. مناظره

زیدری، تحت تأثیر مقامات عربی، در چند جا از کتابش از مناظره‌هایی استفاده کرده که به مناظرات موجود در کتاب‌های مقامات پیش از خود، نزدیک است. «شهاب‌الدین زیدری از روش مناظره برای

رد و ابطال کلام مخاطب بهره گرفته است، چنان که گویی دو طرف مناظره هردوان عرب زبان بوده‌اند» (همان: ۲۰).

«به اتفاق انگشت خلق به دندان ماند، یکی به تعجب: يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ می خواند دیگری به طعنه می گفت:

نِعْمَةُ اللَّهِ لَا تُعَابُ وَ لَكِنَّ رَبَّما اسْتَقْبَحَتْ عَلَى الْأَقْوَامِ

(زیدری، ۱۳۸۵: ۷۹)

در مثال بالا، دو طرف سخن فی البداهه، مقصود مورد نظر خود را به شیوه‌ای هنری بر زبان می آورند و مناظره زیبایی را شکل می دهند. ابتدا مناظره با آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس شروع شده و سپس با بیان بیتی از ابوحفص بصری ادامه می یابد.

۲-۲-۲-۶. ایجاز

در نفته‌المصدر گاه کلام به دلیل ذکر شاهدهای شعری یا قرآنی-روایی به اطناب و درازگویی می انجامد، اما در بسیاری از موارد سخنان نویسنده به طریق مساوات و یا ایجاز است. بسیاری از اقوال، آیات یا مثل‌های عربی به قصد ایجاز کلام در سخنان زیدری قرار گرفته است چنانچه خود به آن اشاره دارد: «و در اثنای آن احوال، اذیال بر سیبل ایجاز، و فی الناس من إذا أوجز أعجز فراهم گرفته ام» (زیدری، ۱۳۸۵: ۱۱۰)

«سخن آنکه طول العهد منس<sup>(۴)</sup> گفت بنزدیک من باری خلاف است» (همان: ۱۲۵).

در مثال فوق نیز قول «طول العهد منس» (همدانی، ۱۳۹۰: ۵۹) در بردارنده نهایت ایجاز است؛ زیرا به سختی می توان این مضمون را با واژه‌های اندک، به زبان فارسی بیان کرد. این جمله در زبان و ادب عرب به شکل مثل درآمده است.

## ۲-۳. پیوند معنایی شاهدها و عبارتهای عربی با متن فارسی

نویسنده نفته‌المصدر گاه با مهارت خاصی پیوند معنایی بین کلام فارسی و عبارتهای عربی برقرار می کند؛ بدین گونه که «شعر یا عبارت عربی بدون قطع و انحراف، دنباله نثر فارسی را بیان می نماید. در این نوع که دشوارترین انواع درج در نثر به شمار می آید، شواهد عربی بی فاصله لفظ یا ترکیبی که آن را از نثر فارسی جدا کند، بدان می پیوندد.» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۲۱۶) زیدری در این روش از گنجینه زبان و ادبیات عرب به خوبی بهره مند شده و با تضمین از شاهدهای شعری و مثل‌های عربی پیوندی معنایی بین بخش عربی و فارسی برقرار می کند. وی برای متمیم و تکمیل سخن، این شیوه را بارها به کار گرفته

است. پاره‌ای از زمان‌ها نیز برای معانی غنایی، رثا، مدح و... از توصیف، تشبیه و یا تمثیل استفاده کرده است و گاه برای القاء سخنش، شعری عربی به صورت نظیر می‌آورد. از روش‌های دیگری که مؤلف توانسته به وسیله آن‌ها، پل معنایی میان متن فارسی و عربی برقرار کند، توضیح یا تأیید و تأکید است که «از رایج‌ترین انواع تضمّن و درج به‌شمار رفته و به نسبت از سایر اقسام بیشتر به کار رفته است» (همان: ۲۲۱). افزون بر این روش‌ها، بهره‌گیری از نقل قول، حل (تحلیل معنی) و ملخّص (تلخیص مطلب) نیز از مهارت‌های دیگر زیدری در درج و تضمین سخنان عربی است.

در این بخش، انواع پیوند معنایی بین اجزای فارسی و عربی سخن را در نفثة‌المصدور نشان می‌دهیم:

### ۲-۳-۱. تکمیل و تتمیم

در این نوع از تضمین که دشوارترین انواع درج در نثر به شمار می‌آید، شعر یا عبارت عربی بی‌فاصله لفظ یا ترکیبی که آن را از نثر فارسی جدا کند، بدان می‌پیوندد؛ این کار در نهایت مهارت در نفثة‌المصدور انجام پذیرفته است:

«همه شب در نشاط و ناز می‌گذرانید و بخت به زبان حال می‌گفت:

يا راقِدَ اللَّيْلِ مَسْرُوراً بَأْوَلِهِ      إِنَّ الْحَوَادِثَ قَدْ يَطْرُقْنَ أَسْحاراً<sup>(۵)</sup>

(زیدری، ۱۳۸۵: ۲۰)

در نمونه بالا بیت عربی، از ابوالعناهیة (ابوالعناهیة، ۱۸۸۶: ۱۲۰) شاعر معروف عصر عباسی است، که مکمل معنای کلام است.

### ۲-۳-۲. تأکید و تأیید

نویسنده نفثة‌المصدور، برای تأکید، تأیید و صحّه‌گذاردن بر معانی پیشین، از این روش بسیار استفاده کرده است. «این نوع، از رایج‌ترین انواع تضمین و درج به‌شمار رفته و به نسبت از سایر اقسام بیشتر به کار می‌رود» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۲۲۱)

«و عرصه، حالی، از کافی بحلیت کفایت حالی، خالی مانده خَلَّتِ الدَّبَائِرُ فَسُدَّتْ غَيْرَ مُسَوِّدٍ»<sup>(۶)</sup> (زیدری، ۱۳۸۵: ۷۷)

جمله «خَلَّتِ الدَّبَائِرُ فَسُدَّتْ غَيْرَ مُسَوِّدٍ» مصراعی از شاعری نامشخص که در شرح دیوان الحماسه بدان اشاره شده است. (المرزوقی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۸۰۷) در اینجا به قصد تأکید مطلب قبل آمده است.

### ۲-۳-۳. توصیف

نویسنده در نفتة المصدور عبارات‌های عربی را برای توصیف‌های زیبا و تشریح معنای مورد نظر خود به کار برده است؛ یکی دیگر از عوامل تأثیرپذیری زیدری از ادبیات عرب، همین توصیف‌های زیباست که وی عمدتاً آن‌ها را از شعر و حکمت‌های ناب عرب و نیز آیات قرآن به‌عاریه گرفته است.

«زمین که از قطرات ژاله رنگ لاله داشتی ثری عن دم القتلی بجمرة عندم<sup>(۷)</sup>، شجرة شمشير که بهشت در سایه اوست که الجنة تحت ظلال السیوف<sup>(۸)</sup> چون درخت دوزخیان سر بر آورده طلغها کانه زؤوس الشیاطین<sup>(۹)</sup>» (زیدری، ۱۳۸۵: ۱).

در مثال ذکر شده، نویسنده برای جمله‌های فارسی، توصیف‌های معادل‌گونه قرآنی و روایی آورده است. مثلاً از حدیث «الجنة تحت ظلال السیوف» (نسخ الفصاحة: ۱۵۴) استفاده کرده و نیز از توصیف درخت دوزخیان در قرآن «طلغها کانه زؤوس الشیاطین» (صافات / ۶۵) بهره گرفته است.

«و از سرگذشت‌های خویش که کوه پای مقاسات آن ندارد و دود آن چهره خورشید را تاریک کند تکاد السماوات یتفطرن منه وتتشق الأرض وتخر الجبال هدا» (زیدری، ۱۳۸۵: ۴)<sup>(۱۰)</sup>

#### ۲-۳-۴. تنظیر و تطبیق

شگرد تنظیر و تطبیق نیز گونه‌ای دیگر از توانمندی‌های زیدری در درج و تضمین را نشان می‌دهد؛ «چنان‌که معنی عبارت یا شعر تضمین شده به گونه‌ای نظیر معنی عبارتی باشد که در آن جای گرفته است به صورتی که نویسنده نخست معنی شعری را که در عبارت تضمین خواهد کرد، به نثر بیان داشته و سپس همان شعر را به صورت نظیر برای تأکید معنی می‌آورد» (خطیبی، ۱۳۸۶: ۲۲۰).

«و هر چند به نسبت حال من غمکش محنت روزی که در حجر نواب بر بالیده و به اندوه از نوعی الف گرفته کاتی صرت آمنحها الوداد» (زیدری، ۱۳۸۵: ۱۱۰)

در این نمونه، مصراع تضمین شده، نظیری عربی برای معنای فارسی است و گوینده آن ابوالعلاء معری، شاعر نابینا و معروف عصر عباسی است. (ر.ک المعری، ۲۰۰۸، ج ۱: ۱۷۲)

#### ۲-۳-۵. ملخص

تلخیصی از یک جمله، آیه یا شعر است؛ یعنی نویسنده تنها به ذکر کلمات مورد نظر از تضمین، بسنده می‌کند. در نفتة المصدور مواردی از ملخص به چشم می‌خورد که گویی مقصود خاص نویسنده است و زیدری تنها به ذکر آن‌ها بسنده می‌کند که برای متن فارسی لازم است:

«چراغ وار آخر کار شعله‌ای بر آورد و بمرد، بانی اسلام بود، بدأ غریباً و عاد غریباً» (زیدری، ۱۳۸۵: ۴۷)

عبارت عربی مثال بالا، تلخیصی برگرفته از حدیث پیامبر که «إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيبًا وَ سَيَعُودُ غَرِيبًا كَمَا بَدَأَ فَطَوَّبَى لِلْغُرَبَاءِ» است (السیوطی، ۱۴۰۱، ج ۱: ۷۸).

این جمله‌های ایجازوار ملخّص عربی با مهارت خاصی به متن فارسی پیوسته است به گونه‌ای که حذف آن از جمله، لفظ و معنا را پریشان می‌کند.

### ۲-۳-۶. حلّ معانی

حل، یکی از فنی‌ترین اقسام اقتباس به‌شمار می‌رفته و به نسبت سایر اقسام، موارد کمتری از آن در آثار قرن ششم و هفتم دیده می‌شود. «حلّ، اشارت به پاره‌ای از کلمات مشخص و برجسته‌آیه، حدیث و مثل است» (زیدری، ۱۳۸۵: بیست و یک. مقدمه مصحح)

«و آثار طغیان فاش کرد، دست در نهاد و در غُرّه خَطَب همه را بقیود مُحَجَّل گردانید» (همان). در مثال بالا کلمات «غُرّه» و «مُحَجَّل» برگرفته از این حدیث پیامبر است که: «إِنَّ أُمَّتِي يُدْعُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ مِنْ آثَارِ الْوُضُوءِ» (البخاری، ۱۴۰۰، ج ۱: ۶۵)

### ۳. نتیجه‌گیری

شهاب‌الدین محمد زیدری، کتاب *نفته‌المصدور*، را با رعایت ظرایف و دقایق خاصی به کتاب ادبی سزاواری تبدیل کرده است. نویسنده، توانایی خود را بیش از هر چیزی، در درج و تضمین شعرها و عبارت‌های عربی به رخ معاصران خود کشیده است و این موضوع به دلیل تسلط او بر زبان و ادب عرب است؛ زیادی واژگان، شعرها، مثل‌ها، آیات، احادیث، اقوال و عبارت‌های عربی در کتاب *نفته‌المصدور*، نشان از تأثیرپذیری نویسنده از نثر فنی ادب عرب است.

چگونگی بهره‌مندی زیدری از ادب غنی عرب با شگردهای استفاده‌وی از شواهد عربی در متن فارسی، آشکار می‌شود؛ زیدری برای برقراری پیوند لفظی شواهد عربی با متن فارسی، گاه از شعرها، مثل‌ها، آیات، روایات و قول‌های عربی در کاربردهای دستوری چون: نهاد، مسند، مفعول، قید، متمم، شبه جمله و جمله معترضه بهره می‌گیرد و گاه شاهد‌های عربی را با کاربردهای بلاغی-هنری همچون: تشبیه، تمثیل، کنایه، مناظره و ایهام در پیکر کلام جای می‌دهد. همچنین به نیکی توانسته به تناسب سخن، در زنجیره معنوی کلام از تضمین‌های عربی به خصوص شعرها و مثل‌های زیبای ادب عرب با روش‌هایی چون متمم، تأکید، توصیف، تنظیر، تفنّن، حلّ معانی و ملخّص در متن *نفته‌المصدور* استفاده کند. او با مهارت می‌داند چه زمانی و چگونه از شعرها و عبارت‌های عربی بهره گیرد که باعث دل‌گزایی خواننده نشود و لذّت دو چندان‌ی به او ببخشد. راهی که او در پیش گرفته است، شیوه رایج

برای نویسندگان بعد از وی گردید.

#### ۴. پی‌نوشت‌ها

- (۱) ترا بسنده است حال آن کس که دشمن بر وی رحم آورد و مهربانی کند.
- (۲) چون خاکستری بود که بادی صعب در روزی طوفانی بر آن درآید (ابراهیم/ ۱۸).
- (۳) بسا گناه که سفیهان قومی مرتکب شدند و عذاب و عقوبت بر آن که بدان گناه، دست نیازیده فرود آمده است.
- (۴) دوری دیدار، فراموشی را باعث آید.
- (۵) ای که در آغاز شب شادمان خفته‌ای، همانا گاهی حوادث به سحرگاهان در آید.
- (۶) شهر و دیار تهی ماند و من پیش از احراز اهلیت سروری یافتم.
- (۷) از خون کشتگان به سرخی شاخ بقم نمودار است.
- (۸) بهشت زیر سایه‌ی شمشیرهاست.
- (۹) میوه و بار آن گویی سرهای شیاطین است (صافات/ ۶۵).
- (۱۰) شاهدهایی که برای بند توصیف، ذکر شده با بندهای دیگر هم چون «تشبیه» و «تنظیر و تطبیق» نیز قابل توجهند.

#### منابع و مآخذ

##### قرآن کریم

- الإصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین (۱۴۱۵)، الأغانی، ج ۸، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابوالعتاهیه (۱۸۸۶م)، الأنوار الزاهیه فی دیوان ابی العتاهیه، بیروت: الآباء السوعیین.
- انوری، حسن، حسن احمدی گیوی (۱۳۷۵)، دستور زبان فارسی ۲، چاپ چهاردهم، تهران: فاطمی.
- البخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۰ ه. ق)، صحیح بخاری، جزء اول، الطبعة الأولى، قاهره.
- بهار، محمد تقی (۱۳۷۶)، سبک شناسی تاریخ تطور نشر فارسی، ج ۳، چاپ نهم، تهران: معجید.
- الحمدانی، ابوفراس (۱۹۹۸م)، دیوان ابو فراس حمدانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خطیبی، حسین (۱۳۸۶)، فن نشر در ادب پارسی، چاپ سوم تهران: زوآر.
- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۸۸)، دستور زبان فارسی، چاپ چهاردهم، تبریز: ستوده.
- رحمانی، هما (۱۳۹۵)، «نگاهی تازه به تضمین و تطور تاریخی آن در آثار بلاغی عربی و فارسی، فصلنامه ادبیات تطبیقی، سال هشتم، شماره پانزده، ۱۶۱-۱۳۷»
- زیدری، شهاب الدین (۱۳۸۵)، نفتة المصدور، تصحیح و توضیح حسن یزدگردی، چاپ دوم، تهران: توس.
- السیوطی، جلال الدین (۱۴۰۱ق)، الجامع الصغیر فی احادیث البشیر الصغیر، ج ۴، الطبعة الأولى، بیروت: دارالفکر.
- صادقی، محمد (۱۳۸۷)، «بررسی کنایه و انواع آن در نفتة المصدور»، دو فصلنامه پژوهش فرهنگ و ادب، شماره ۷، ۱۳۹-۱۲۲.
- العکبری، ابو البقاء (۱۲۸۷ ه. ق)، التبیان فی شرح دیوان ابی الطیب المتنبی، ج ۱، بیروت: بولاق.
- غلامرضایی، محمد (۱۳۹۴)، سبک شناسی نشر پارسی، چاپ اول، تهران: سمت.



- المتنبی، ابوالطیب (۱۴۰۳)، *دیوان ابی الطیب المتنبی*، بیروت: دار الطبع بیروت.
- محمدیان، زهرا (۱۳۹۲)، «نگاهی به نشر فنی بر مبنای مقایسه نفثةالمصدر و دره نادره»، *فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر (بهار ادب)*، سال ششم، شماره پیاپی ۲۰، ۳۶۱-۳۴۷.
- المرزوقی، علی احمد بن محمد (۱۳۷۱ ه.ق)، *شرح دیوان الحماسه*، الطبعة الأولى، مصر: نشره احمد امین.
- المعری، ابوالعلاء (۲۰۰۸)، *سقط الزند*، ج ۱، بیروت: دار بیروت.
- مهربان، صدیقه (۱۳۹۰)، «نگاهی تازه به ویژگی های زبانی و بلاغی نفثةالمصدر»، *فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر (بهار ادب)*، سال چهارم، شماره پیاپی ۱۴، ۱۵۳-۱۴۳.
- میدانی، احمد بن محمد (۱۹۵۹)، *مجمع الأمثال*، به کوشش محمد محیی الدین عبدالحمید، مصر: جامعة الأزهر.
- همایی، جلال الدین (۱۳۷۹)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ هفدهم، تهران: هما.



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السنة الحادية عشرة، العدد ١ (٤١)، ربيع ١٤٤٢، صص. ٣٥-١٩

## «نفثة المصدور» في مرآة الأدب العربي

موسى برنيان<sup>١</sup>

أستاذ مشارك، قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران

مهسا رضائي<sup>٢</sup>

خريجة الدكتوراه، فرع اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، كرمانشاه، إيران

الوصول: ١٤٣٧/٠٧/٠٩      القبول: ١٤٤١/٠١/٢٢

### الملخص

التص يعتبر كتاب «نفثة المصدور» لشهاب الدين محمد الزيدري النسوي من الأعمال التاريخية - الأدبية القيمة في القرن السابع. وهذا الكتاب بما أنه يتمتع باللامح الأسلوبية الخاصة بعصره، لديها نثر مصنوع وفي قد استخدم فيه الاستشهاد إلى الآيات القرآنية والأحاديث والأمثال والأشعار العربية كثيراً، بالإضافة إلى أنه يحظى بمحسّنات الكلام اللفظية والمعنوية. قد استخدم الكاتب خلال النثر الفارسي، الأشعار والأمثلة والتعابير العربية بأساليب عدّة لإظهار براعته في اللغة العربية. يهدف هذا المقال إلى أن يبيّن تأثير اللغة العربية وآدابها على كتاب «نفثة المصدور» من الناحية الأسلوبية و يسلم الصّوء على كيفية العلاقة اللفظية والمعنوية للأبيات والعبارات العربية مع النصّ الفارسي، ثمّ وأنّ الشواهد العربية كيف تمكّن لها أن تؤدي إلى تواصل الكلام وكيف قد تحققت هذه العلاقة. نتائج البحث تبين بوضوح كيفية تأثير «نفثة المصدور» باللغة العربية وآدابها و يتضح من خلالها أنّ الأبيات والعبارات العربية يمكنها من جهة أن تتخذ دوراً نحوياً في الجملة كجزء من الكلام، مثل المسند إليه و المسند به و المضاف إليه ... أو تتمثل - فيما يتعلّق بالجماليات - في شكل المحسّنات الأدبية والشؤون البلاغية - الفنية كالتشبيه والكناية والمناظرة والإيهام. هذا ومن جهة أخرى فإنّ الأمثلة العربية قد حصلت على إنشاء جسر معنويّ فيما بينها وبين النثر الفارسي عن طريق عدة أساليب كالتميم والتوكيد والتنظير والوصف والملخص و حلّ للعاني. هذا البحث تمّ إنجازها بالأسلوب الوصفيّ - التحليليّ مستعيناً بالمصادر المكتوبة.

المفردات الرئيسية: الأدب المقارن، نفثة المصدور، الدرّج، التضمن، العلاقة اللفظية، العلاقة المعنوية.